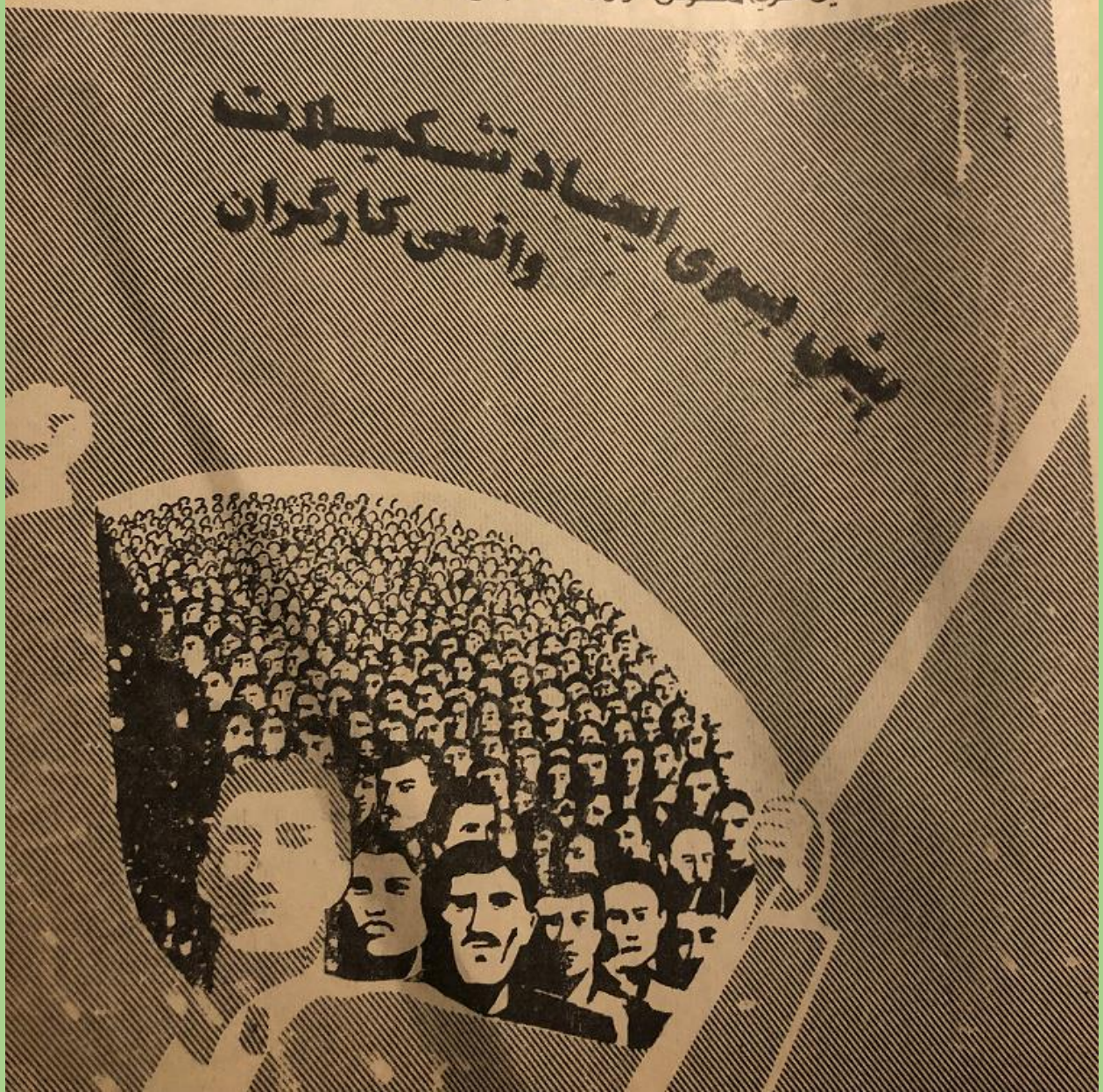




این نشریه مخصوص کارگران است و بهیچ حزب و دسته ای وابستگی ندارد.

پیشاپیش ایستادگی واقعی کارگران تشکیلات



گزارش

تمام دردهای پستان صحبت کنید. الان ۳/۵ میلیون کارگر بیکارند و ما میخواهیم درباره آنها صحبت کنیم و همچنین درباره سندیگاهها و شوراهای کارگری بحث کنیم.»

دردهای کارگران چیست؟

یکی از کارگران از مسائل و مشکلات امروزی کارگران سخن راند و چنین گفت: «مسئله‌ای که ما امروز با آن روبرو هستیم عده‌ای از مسئولین دولت آنرا - کارگری - می‌گویند، به هیچ وجه شوخی نیست، مسئله نان و شکم خالی، زن و بچه و لباس و تن‌پوش است. مساله ادامه حیات است. هیچ برای این آقایان این سؤال پیش می‌آید که کارگری که چهار ماه است بیکار شده، در این مدت از کجا آورده تا حداقل از گرسنگی نمیرد؟

ما کارگران از یکدیگر رودربایستی نداریم، خوب می‌دانیم که با آن حقوق بخورونمیریم. هیچوقت پولمان به آخر ماه نمی‌رسد و امروز پس از چند ماه حقوق نگرفتن از کجا باید پول نان را بیاوریم؟ مگر ما لباس نمی‌خواهیم؟ دوا و درمان و هزار خرج دیگر نداریم؟ کرایه زآغه‌ها را از کجا بیاوریم؟ دزد هم که نیستیم، پس چکار کنیم؟ آیا باید باز هم ما را در قبال طلب‌هایمان از کارفرما دعوت به صبر و حوصله بنمایند؟ آیا باید ساعات کار را بیشتر کنند؟ مگر چقدر خاطر این کارفرما عزیز است و قدرشان عظیم که حتی جان ما باید فدای منافع آنها شود؟ نه! ما از سر هیچکدام از خواسته‌هایمان نمی‌گذریم. نمی‌توانیم بگذریم....

یکی دیگر از خواسته‌های اساسی ما این است که تمام کارگران باید سر کار خود برگردند و هیچ کارخانه‌ای نباید تعطیل شود و کارگران را آواره کند. کارفرمایان تا وقتی که می‌توانستند از نیروی کار ما پول ساختند، حالا که وضع را بر وفق مراد خویش نمی‌بینند دست به حیل‌های جدید می‌زنند.

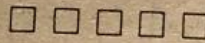
در این چند ماه عده‌زبانی از کارگران اخراج شده‌اند. ما همبستگی خود را با تمام کارگران اخراجی اعلام می‌کنیم و همگی در کنار هم، در

در اجتماع کارگران گفته شد:

انقلاب پایان نیافته است

زیرامن هنوز

گرسنه می‌خواهیم



نوشته شده بود که از میان آنها، این شعارها جلب توجه می‌کرد: «ما خواهان حق اعتصاب، حق آزادی بیان و عقیده هستیم.» «ما خواهان تشکیل شوراهای کارگری و سندیگاه‌های واقعی هستیم.» «اعتصاب یکی از حقوق مسلم کارگران برای برآوردن خواسته‌های آنهاست.» «ما خواهان بازگشت کارگران اخراجی بر سر کار هستیم.»

جلسه با صحبت‌های یکی از کارگران مسؤل جلسه شروع گردید. او گفت: «دوستان کارگر، ما کارگران خوشحالیم که برای دومین بار دور هم جمع می‌شویم تا حرف‌هایمان را بتوانیم با خیال راحت بزنیم. حرف‌هایی که از دل برمی‌آید و به زندگیمان مربوط است. تمام شما می‌توانید بیایید و راجع به مسائل روز و

عصر، روز سه‌شنبه هشتم اسفند، کارگران کارخانجات مختلف تهران در خانه کارگر واقع در خیابان ابوریحان گرد هم آمدند تا راجع به مسائل مختلفی که کارگران این روزها با آن دست‌پگیریمان هستند صحبت کنند. دوست کارگری می‌گفت: «من امروز برای اولین بار است که به اینجا آمدم. چون قبلاً شرم داشتم که حتی از این خیابان رد بشوم. ولی امروز با تمام غرورم اینجا صحبت می‌کنم.»

خانه کارگر قبلاً محل سندیگاه‌های فرمایشی سازمان کارگران بوده ولی اکنون کارگران دره‌های این خانه را بروی خود گشوده‌اند و آنجا را فتح کرده‌اند تا جایی برای صحبت و درد دل و تصمیم‌گیری داشته باشند. و خانه کارگر واقعاً خانه کارگران بشود.

بر درو دیوار خانه‌ی کارگر، خواسته‌های کارگران روی پارچه‌های سفید و بزرگ



يك ستون، برای گرفتن خواسته‌هایمان مبارزه می‌کنیم.... و از دولت و وزارت کاری خواهیم که بدون وقفه و با قاطعیت تمام از خواسته‌های بحق ما حمایت کند.»

این کارگر سپس از مسأله بیمه و مسکن کارگران سخن به میان آورده و اظهار داشت که مسأله بیمه و مسکن کارگران تاکنون وسیله تبلیغاتی خوبی در دست دولت‌ها بوده است که امیدواریم دیگر اینچنین نباشد. و اضافه کرد: «حالا ما با ستم‌های سرمایه‌داران و در رأس آنها دربار منقر شاه و آمریکا آشنا شده‌ایم و درد همدیگر را شناخته و فهمیده‌ایم که دشمن دیرینه ما زحمتکشان، سرمایه‌داران و بطور کلی نظام سرمایه‌داری است، ما امروز با اتحاد خود، با شرکت در غم و شادی یکدیگر، دست در دست هم می‌رویم تا نظام سرمایه‌داری را درهم بریزیم و از بنیاد براندازیم و اینکار را باید با هوشیاری کامل انجام دهیم. دولت موقت که طرح دولت آینده را در دست دارد، باید به خواسته‌های ما جواب مثبت بدهد.

همه چیز از آن همه باید باشد، باید بطور مساوی و برادرانه تقسیم شود و اگر هم کسی در گذشته از طریق اعمال زور چیزی بدست آورده، باید از او پس بگیریم ما باید از ثروت ملی حقی داشته باشیم....

چرا جلو حرف زدن را می‌گیرند؟

یکی دیگر از کارگران در مورد گرفتاری‌هایی که برای کارگران مبارز درست می‌شود مثل

تهدید و کتک زدن و غیره سخن گفت. و افزود: «تا کسی می‌آید از حق و حقوق کارگر صحبت کند فوراً يك چیزی به او نسبت می‌دهند و می‌خواهند خفه‌اش کنند، چرا؟ ما انقلاب کردیم که آزاد باشیم. بتوانیم حرفمان را آزادانه و بدون اینکه از کسی ترسی داشته باشیم بزنیم.»

پایرهنه‌ها

کارگری، به مسأله رادیو و تلویزیون اینک ادعا می‌شود مال پایرهنه‌هاست اشاره کرد و گفت: «می‌گویند تلویزیون و رادیو مال پایرهنه‌هاست. بخدا از من کارگر پایرهنه‌تر و فقیرتر هیچکس نیست. پس چرا درباره

گل محمد سخن می‌گوید

سپس کارگری که گرد پیری روی موهایش نشسته بود با لهجه شیرین آذربایجانی خود شروع به صحبت کرد.

«چهل سال است که کارگرم. از این چهل سال کارگری هیچ نتیجه‌ای نگرفتم، همیشه ما را کوبیده‌اند. کارخانه‌ها کارگران را اسیر کرده‌اند و کارفرما همیشه کمترین حقوق را می‌دهد.

حداکثر کار را می‌کشد. من انقلاب را پایان یافته نمی‌دانم چرا که من هنوز گرسنه می‌خواهم. انقلاب وقتی تمام شده که ما کارگران با اتحاد خود استعمارگران و نوکرانشان را از بین ببریم و حاکم بر سرنوشت

چقدر خاطر این کارفرماها عزیز است که جان

ما کارگران باید فدای منافع آنها شود!

سرنوشت من سکوت اختیار کرده است؟»

کارگران ستون فقرات جنبش

دوست کارگری از شرکت تکنوکار پشت بلندگو رفت و چنین گفت: «دوستان کارگرا طبقه کارگر و مخصوصاً کارگران متحد و مبارز صنعت نفت پیشگامان و ستون فقرات جنبش کنونی میهنان هستند. اکنون ما حاضر نیستیم که انقلابمان را نیمه کاره رها کنیم و به تغییرات جزئی راضی شویم. حال ببینیم بعد از آنهمه کشتارهای وحشیانه ارتش مزدور شاه چه نتیجه‌ای عاید ملت ستم دیده و بخصوص طبقه کارگر گردیده است. حال چه تضمینی وجود دارد که مشکلات بیشمار کارگران با يك دستور و با طرح يك قانون حل شود؟ سرمایه‌دار که حاضر نیست به آسانی از منافع خود دست بردارد و حتی با وجود حکومتی با ادعای خیرخواهی، به بهره‌کشی از طبقه کارگر ادامه خواهد داد. بنابراین کارگران باید از حقوق خود دفاع نموده و هیچ فرد یا گروهی حق ندارد از فعالیتهای حق طلبانه کارگران جلوگیری کند.

خود بشویم. الان شاه فرار کرده ولی ساواکی‌ها و عمال استعمارگران هنوز هستند. تا بوده و نبوده کارگر پول نداشته، بیمه نداشته، تأمین نداشته، مسکن نداشته کارگر هیچ موقع نمی‌دانست حقوقش چیست. فعلاً هم همینطور است، به نظر من چیزی عوض نشده است، من دو انقلاب دیده‌ام. فرار شاه را دوبار دیده‌ام. در این انقلاب از کارگران صحبت نمی‌شود، رادیو و تلویزیون از زندگی ما چیزی نمی‌گویند. هنوز سرمایه‌داران در قدرت هستند. ما تا اتحاد نداشته باشیم هیچ نداریم، دسیسه استعمارگران هنوز وجود دارد. کارفرماها هنوز سر جایشان هستند. بایستی با اتحادمان آنها را سرکوب نماییم. نگذاریم انقلاب به هدر رود. برای این کار بایستی سندیکاهای واقعی را تشکیل دهیم و در انتخاب نمایندگان خود دقیق باشیم. اتحاد ما کارگران است که جلو زالوها را می‌گیرد. اگر انقلاب بر باد رود دوباره سالیان دراز بایستی در زنجیر باشیم. کارگران، زنجیری که بدستمان بسته بوده هیچ باز نشده، ما هیچ موقع اتحاد محکم نداشته‌ایم و در نتیجه سرکوب شده‌ایم.

هوکس می‌خواهد از حق کارگر صحبت کند، خفه‌اش می‌کنند!

طبقه کارگر برای مقاومت در برابر طبقه سرمایه دار احتیاج به سازمان و تشکیلات کارگری دارد



می‌رسد و مثل زنبوردار فقط تکه کوچکی از حاصل را برای آنها که زحمت کشیده‌اند می‌گذارد و بقیه‌اش را برمی‌دارد.

وزیر کار خودش نیامد و نماینده‌اش را هم نفرستاد

در شروع جلسه گفته شده بود که آقای وزیر کار و یا نمایندگانش برای رسیدگی به کار کارگران به‌خانه کارگر خواهند آمد. ولی تا آخر وقت از آنها خبری نشد.

جلسه در ساعت ۹ بعدازظهر در میان شور و شوق و همبستگی کارگران به پایان رسید و جلسه بعدی به پنجشنبه ۱۷ اسفند موقوف شد.

خواندن پیامها و اطلاعیه‌ها

در ضمن، در بین سخنرانی‌ها پیام‌ها و اطلاعیه‌های کارگران کارخانجات مختلف به شرح زیر خوانده شد: ایسران ناسیونال، کارخانجات آتمسفر، شرکت نفت جنوب، کارخانه شیشه میرال، شرکت وزنه، کارخانه قرقره زیبا، کارگران لیلاند موتور، کارخانه ایران کاوه و....



نظر درمان کارگران را در رفاه بگذارد. اما در حقیقت نظام سرمایه‌داری یک سری سازمان‌های پیچیده درست می‌کند که هرگاه کارگران با اشکالاتی در زندگی روبرو شدند، به این سازمانها رجوع داده شوند و در این ترتیبات پیچیده سردرگم شوند.»

زنبور عسل و زنبوردار

یکی از کارگران با ذوق رابطه بین سرمایه‌داران و کارگران را مانند رابطه بین زنبورهای عسل و زنبوردار دانست، چه کارگر مثل زنبور عسل کار می‌کند حاصل می‌دهد، سازندگی می‌کند و آنوقت سرمایه‌دار از راه

ما بایستی با صفوف متشکل باز هم پیش برویم. من یک مسلمانم، من چون زحمتکش هستم در صفوف کارگران قرار دارم. من می‌دانم رنج چیست.»

بیمه‌های اجتماعی، سازمانی برای دست بسر کردن کارگران

یکی از کارکنان سازمان بیمه‌های اجتماعی از بیمه کارگران و این که حقیقتاً این سازمان در خدمت دولت و سرمایه‌داران بوده و نه در خدمت کارگران سخن گفت، خلاصه‌ای از سخنان او این چنین بود که: «سازمان بیمه‌های اجتماعی ظاهراً به این منظور بوجود آمده که از

دوران ساکت ماندن ما کارگران به سر آمده